



۲۰۲۰/۰۵/۲۱



غوټ جانباز

اسرار دیپلوماسی

تاریخ روابط دو جانبه افغانستان و ایالات متحده امریکا
(۱۹۱۹-۱۹۵۵)

قسمت سوم



نویسندگان: - گ. یژوف - پ. کرپینکو
مترجم: غوټ جانباز

حضور ویتکوویچ در کابل، حاکمان استعماری هند برتانوی را در هندوستان عصبانی ساخته بود. به تاریخ ۲۰ جنوری ۱۸۳۸ نایب الحکومه هند برتانوی اوکلاند، نامه اخطاریه را عنوانی امیر دوست محمد خان فرستاده تقاضا نمود تا موصوف بدون دریافت مجوز حکومت هند برتانوی از تماس با روس ها خودداری نماید، در غیر آن از قدرت برطرف خواهد شد. در عکس العمل به اخطاریه های تحقیر آمیز انگلیس ها، امیر دوست محمد خان قصاداً همراه با نماینده روسیه ویتکوویچ در کوچه های شهر کابل به قدم زدن پرداخت. (۱)

انگلیس ها پس از دور ساختن روس ها از صحنه، در خزان ۱۸۳۸ امیر دوست محمد خان را متهم به دشمنی علیه برتانیه نموده و برای سقوط دادن حاکمیت وی علیه وی به جنگ پرداختند. بدین ترتیب جنگ اول افغان - انگلستان آغاز و میان سال های ۱۸۳۸-۱۸۴۰ دوام پیدا کرد. طی جنگ مذکور انگلیس ها نتوانستند افغانستان را به زانو در آورند.

طوریکه مشاهده می شود حکومت تزاری روسیه نخست به افغانستان نزدیکی کرد ولی سپس آنرا بدون هرگونه حمایت رها کرد. در حقیقت این یک خیانت در برابر افغانستان بود.

انکشاف حوادث حین جنگ دوم افغان - انگلیس طور دیگر بود. در ماه می ۱۸۲۹ امیر جدید افغانستان یعقوب خان معاهده مزور و ضد منافع افغانستان را در ناحیه " گندمک " با انگلیس ها به امضاء رساند. بر بنیاد مفاد معاهده مذکور، امیر یعقوب خان تحت نظارت دایمی نماینده انگلستان در کابل قرار میگرفت و از تأمین روابط با کشورهای خارجی محروم ساخته می شد. تأمین ارتباطات بین المللی افغانستان صرف پس از کسب اجازه و تحت نظر انگلیس ها امکان پذیر بود. انگلیس ها در عرصه تجارت امتیازات خاص به دست می آوردند. اتباع برتانیه کبیر حق داشتن

بدون هر گونه محدودیتی در داخل قلمرو افغانستان اقامت داشته باشند، به امور تجارتي بپردازند... در عين حال امير مكلف ساخته شده بود در مرادوات تجارتي از اتباع هند برتانوي با افغانستان و آسيای ميانه حمايت نمايد. در بدل آن امير سالانه از حكومت هند برتانوي سابسايدي معين پولی به دست می آورد .

در عكس العمل به معاهده مكارانه " گندمك " مردم افغانستان به جنگ آزادی خواهانه شروع نمودند كه نقش بزرگ را در آن دسته های قبایل بازی كرد. معادله مذکور برای افغانستان تازه نبود. معمولاً وقتی قوای حكومتي افغانستان در جنگ مغلوب می شد، بلافاصله قیام و مقاومت مردمی سر بلند می كرد و نهایتاً به پیروزی می انجامید. جنگ دوم افغان و انگلیس پس از قیام كابل در آگست ۱۸۷۹ آغاز یافت.

تمام انگلیس هایی كه در كابل اقامت داشتند به قتل رسیدند. اندکی بعدتر، در اكتوبر همان سال زمانی كه لشكر جنرال انگلیس روبرتس به حومه كابل رسید، امير يعقوب خان از ترس انتقام مردم خود را به انگلیسها تسليم كرد. كابل به تصرف انگلیس ها در آمده و مورد چور و چپاول قرار گرفت .

اما مبارزه مسلحانه مردم افغانستان ادامه یافت. در تابستان ۱۸۸۰ قوای انگلیس در ناحیه " میوند " (امروز یکی از ولسوالی های ولایت قندهار) شكست فاحشی خوردند.

به همکاری حكومت روسیه یکی از اعضای خانواده حاكم در افغانستان، عبدالرحمن خان پسر محمد افضل خان (سال های حكومت : ۱۸۶۶-۱۸۶۷) و نواسه امير دوست محمد خان كه در مهاجرت در تاشكند (پایتخت كشور ازبكستان) به سر می برد به طرف افغانستان حرکت كرد. عبدالرحمن خان كه میان افغان ها از محبوبیت معینی برخوردار بود پس از رسیدن به وطن مقاومت وسیعی را علیه انگلیس ها در مناطق شمالی افغانستان به راه انداخت. پیروزی های پی در پی عبدالرحمن خان حاكمان انگلیسی هند برتانوي را سراسیمه ساخته بود. وقتی در بهار ۱۸۸۰ لشكر عبدالرحمن خان به نزدیکی های شهر كابل رسید انگلیس ها توانستند با او به تفاهم برسند. برتانوي ها تاج و تخت دولت افغانستان را به وی تفویض نموده و يعقوب خان را به هندوستان تبعید كردند. اما قبل از سپردن پایتخت به وی عبدالرحمن خان را واداشتند تفاهمنامه جدیدی را با انگلیس ها به امضاء برساند.

حكومت انگلستان عبدالرحمن خان را به حیث امير افغانستان به رسمیت شناخت و به وی مبالغ قابل ملاحظه ای تحت عنوان تلافی عدم مواصالت مالیات به خزانه دولت هنگام جنگ می پرداختند. به امير مبلغ دوازده هزار روپیه سوبسايدي تادیه می شد. این رقم بخشی از مصارف دربار و معاش محافظین وی را تحت پوشش قرار میداد.

در عين زمان افغانستان كمافی السابق از حق تأمین روابط با سایر دول محروم بود. با این همه انگلیس ها مقداری از فشارهای خویش را كاستند. در تفاوت با معاهده " گندمك " انگلیس ها از تقاضای حضور نماینده دایمی خویش همراه با محافظین مسلح ابا و ورزیدند. طرفین توافق نمودند كه نماینده دایمی برتانیه در كابل از جمله مسلمانان هندوستان برگزیده شود و وظیفه او تأمین و تعمیق روابط افغانستان با حكومت هند برتانوي خواهد بود.

طی سال های حكومت امير عبدالرحمن خان ضیاء الملت و الدین (۱۸۸۰-۱۹۰۱) و پسرش امير حبیب الله خان سراج الملت والدین (۱۹۰۱-۱۹۱۹) سیاست خارجی افغانستان كمافی السابق تحت نظارت انگلیس ها قرار داشت.

حین جنگ اول جهانی، افغانستان موقف بی طرفی را اختیار نمود. این موقف برای انگلیس ها زیاد اهمیت داشت، زیرا آنها می توانستند با خاطر آسوده قوای خویش را كه بیشتر شان از هندوستانی ها تشكيل یافته بود در امتداد

سرحدات با افغانستان متمرکز نساخته به جبهات غرب، به فلسطین و بین النهرین اعزام بدارند. برتانوی ها مطمئن بودند که افغانستان به صف متحدین آلمان نمی پیوندد. امیر حبیب الله خان به خاطر موقف بی طرفی خود انتظار داشت تا از انگلیس ها امتیازات سیاسی به دست بیاورد و در فیروزی ۱۹۱۹ نامه عنوانی نایب الحکومه هند برتانوی "چیلمسفورد" نوشت. در پیام امیر از نایب الحکومه هندوستان تقاضا می کرد تا استقلال و خود ارادیت افغانستان را به رسمیت بشناسد. چیلمسفورد در جواب به امیر یادآور شد که از وفاداری موصوف مشکور است و ختم. انگلیس ها از ارایه جواب به خواهش اصلی امیر افغانستان طفره رفتند. (۱۴)

شب ۲۰ فیروزی ۱۹۱۹ امیر حبیب الله خان هنگام اقامتش در ناحیه کله گوش مشرقی به منظور شکار به شکل مرموزی به قتل میرسد. برادر امیر، نصرالله خان که در این سفر او را همراهی می کرد خود را امیر افغانستان اعلام کرد. اما اردو از نصرالله خان حمایت نکرد و پس از زد و بند کوتاهی پسر امیر حبیب الله خان، امان الله، امیر افغانستان اعلام می گردد. اولین اقدام امیر جدید افغانستان، اعلام استقلال کشور بود، چیزیکه انگلیس ها نمی توانستند با آن موافقت کنند.

امیر جوان کوشش کرد از اوضاع پیچیده ای که حاکمان استعمارگر برتانوی پس از تیرباران تظاهر کنندگان هندوستانی در شهر امرتسر (اپریل ۱۹۱۹) حکمفرما گردیده بود و مردم دست به قیام مسلحانه به ضد انگلیس ها زده بودند بهره برداری نماید.

در ماه می همان سال افغانستان جنگ سوم را علیه انگلستان به راه انداخت. در عین حال جنگ مذکور جهاد به خاطر آزادی اقوام پشتون از زیر یوغ استعمار انگلیس در هندوستان نیز نامیده شد. اعلام جنگ علیه هیولایی که در آن زمان امپراتوری برتانیه محسوب می شد بدون شک جرئت و شجاعت می خواست.

اردوی افغانستان قرار بود از سه استقامت بر هند برتانوی یورش ببرد. نظامیان و سیاسیون افغان از بابت قیام های هندوستانی ها علیه برتانیه خوشبین بودند و تصور می کردند که به مجرد رسیدن نیروهای افغان به آنطرف خط دیورند در قدم اول اقوام پشتون با آنها یکجا خواهند شد.

یکی از قطعات اردوی افغانستان که در ناحیه خوست متمرکز گردیده بود به استقامت پیشاور به پیشروی ادامه داد. در مسیر راه حمایت قبایل از قطعه متذکره چندان چشمگیر نبود و پس از نبردها با انگلیس ها متواری گردید. قطعه مرکزی اردوی افغانستان تحت قوماندانی جنرال محمد نادر خان (جنرال محمد نادر خان چند سال بعد به کرسی پادشاه افغانستان جلوس میکند)، از کوتل خیبر عبور نمود. در آغاز عملیات نظامی، لشکر جنرال نادر خان مؤفانه پیش می رفت و مؤفایت هایی داشت. برخی از پشتون های محلی به شمول ملیشه هایی که قبلاً در خدمت هند برتانوی بودند به اردوی افغان پیوستند. قطعه نادر خان شهر "تل" را به محاصره درآورد. اما بعدتر قوای کُمکی انگلیس تحت قوماندانی جنرال دائیر (همان قوماندانی که در ماه اپریل ۱۹۱۹ مظاهره مسالمت آمیز باشندگان شهر امرتسر را تیرباران نموده بود) فرا رسید. افغان ها پس از مقاومت در برابر قوای انگلیس متواری گردیدند. لشکر سومی اردوی افغانستان اصلاً خط دیورند را عبور نکرد. انگلیس ها متعاقباً به قلمرو افغانستان حمله برده و منطقه سپین بولدک را به تصرف خویش درآوردند. (۱۵)

در کُل افغانستان برای جنگ آمادگی نداشت. با آنکه اردوی افغانستان از کمیت کافی برخوردار بود و متشکل از ۵۰ هزار عسکر بود اما از دیدگاه ساختار های اساسی نظامی ظرفیت آن در سطح نهایت پائین قرار داشت. تسلیحات

کهنه و مهمات جنگی بیشتر برای خود عساکر خطرناک بودند تا برای دشمن. علم نظامی و انضباط اصلاً به نظر نمی خورد (۱۶). در جنگ سوم افغان - انگلیس، نقش بزرگ را نوع جدید تسلیحات، یعنی قوای هوایی بازی کرد. بمباری های قوای هوایی دشمن، افغان ها را به وحشت انداخت. برتانیه کبیر صرف نظر از دست آوردها در میدان جنگ آرزو نداشت به پیروزی نهایی دست یازد. انگلیس ها هراس داشتند که ادامه جنگ با افغانستان می تواند باعث بروز قیام های جدید در قلمرو هندوستان گردد. اوضاع داخلی و بین المللی برتانیه در زمان مورد بحث دلخواه نبود: اغتشاشات در مصر و آیرلند، اشتراک در جنگ علیه جمهوری جوان فدراسیون روسیه، تأثیرات منفی جنگ اول جهانی و بالاخره تهی بودن خزانه دولتی، دشواری هایی بودند که انگلستان با آنها مواجه بود. اردوی انگلستان از جنگ های متداوم خسته بود و در چنین یک وضعیتی نمی خواست داخل یک جنگ فرسایشی با افغانستان گردد.

پس از بمباری کابل و جلال آباد طرفین متخاصم مذاکرات صلح آمیز را شروع کردند. به تاریخ ۸ اگست ۱۹۱۹ در ناحیه راولپیندی معاهده مقدماتی صلح میان دو دولت به امضاء رسید. در اثر معاهده متذکره استرداد استقلال افغانستان به رسمیت شناخته می شد و متعاقباً در نتیجه امضای معاهده قطعی مورخ ۲۲ نوامبر ۱۹۲۱ تأیید گردید. (۱۸) با این همه انگلیس های مکار توانستند افغان ها را فریب بدهند. در متن معاهده، موضوع به رسمیت شناختن استقلال افغانستان غیر روشن منعکس گردیده بود. در معاهده صرف درج شده بود که افغانستان در پیشبرد ارتباطات خارجی خویش آزاد است. (۱۹)

مذاکرات بعدی در مورد انعقاد معاهده دایمی بین افغانستان و انگلستان از تاریخ ۱۷ اپریل الی ۱۸ جولایی ۱۹۲۰ در شهرک ماسوری در قلمرو هند برتانوی در شرایطی که مبارزه افغانستان به خاطر استقلال حمایت وسیعی در هندوستان کسب کرده و بالای جنبش ملی و آزادیخواهانه آن کشور اثر گذاشته بود تداوم پیدا کرد. ادامه دارد..

جنرال فرونزی به یاکف سوریخ (سفیر روسیه در کابل) از تصمیم حکومت روسیه شوروی مبنی بر "اعزام دو لویای پیاده و ارسال مهمات جنگی به افغانستان" خبر داد. (۲۴) بدین ترتیب مشاهده میشود که هدف اساسی سیاست خارجی حکومت ولادیمیر لنین در آسیای میانه شروع جنگ جدید افغان ها به ضد انگلیس ها اینبار به کمک اقتصادی و نظامی روسیه شوروی، بود.

یاکف سوریخ به مجرد رسیدن به کابل مذاکرات را در مورد امضای معاهده "نظامی-سیاسی" با جانب افغانی از سر گرفت. به قول "لنین" (تاریخ نویس شوروی)، برکت الله یکی از انقلابیون هندوستانی حین ملاقاتش با ولادیمیر لنین از او تقاضا نموده بود تا با افغانستان "معاهده دفاع و تعرض" را به امضاء برساند. در ملاقات مورخ ۷ می ۱۹۱۹ برکت الله از ولادیمیر لنین همچنان خواسته بود تا روسیه شوروی به افغانستان کمک های نظامی - تخنیکی خود را گسیل بدارد. (۲۵)

نظریه انعقاد معاهده "اتحاد دفاع و تعرض" با روسیه شوروی مورد علاقمندی جانب افغانی قرار گرفت. اما چون روسیه می خواست روابط خود را با برتانیه کبیر بهتر بسازد و آرزو داشت دست هایش باز باشند و همزمان خیال شروع جنگ جدید افغان - انگلیس را نیز در سر می پروراند، دفعه‌تاً موضعی خود را ۱۸۰ درجه تغییر داد.

روسیه و انگلستان به تاریخ ۱۶ مارچ ۱۹۲۱ معاهده تجارتي را به امضاء رسانیدند. سفیر یاکف سوریخ در ماه مارچ ۱۹۲۰ هدایتی را از چیچیرین، وزیر امور خارجه کشورش بدست آورد. در هدایت خاطر نشان می گردید که معاهده آینده میان افغانستان و روسیه شوروی نباید شکل "اتحاد نظامی" را بخود بگیرد. (۲۶)

وعدۀ کمک های نظامی روسیه به افغانستان نیز شکل معینی نداشت. کمک های نظامی روسیه شوروی بر بنیاد موافقت نامۀ ۲۸ فبروری ۱۹۲۱ به مراتب کمتر از آن بود که انتظار میرفت. سفیر سوریخ در جنوری ۱۹۲۰ خبر داد که حکومتش قرار است ۵ هزار میل تفنگ به اردوی افغانستان و ۱۰ هزار تفنگ به اقوام مسکون در امتداد سرحد کمک کند. این در حالیکه قرار داد ارایۀ صرف ۳ هزار میل تفنگ را قید نموده بود. (۲۷)

موضعگیری روسیه فاقد اصول بود. حکومت روسیه شوروی با افغانستان معاهدۀ " اتحاد نظامی " را امضاء نکرد، اسلحه به اقوام سرحد با هند برتانوی را تحویل نداد. روسیه هراس داشت که مبدا اقدامات مذکور روابط در حال تدوین و تکوین اش را با برتانیۀ کبیر متضرر بسازد. در عین حال دیپلوماسی روسیه شوروی تلاش داشت که تأمین قطعی روابط افغان - برتانیه صورت نگیرد و مختل شود .

جانب افغانستان برخی از اقدامات روسیه را برای خود تهدید علنی تلقی میکرد.

مطابق مفاد معاهدۀ ۱۹۲۱، افغانستان و روسیه توافق کردند که هر دو استقلال امارات بخارا و خیوه را رعایت می کنند. (۲۸) قبل از انعقاد معاهدۀ فوق الذکر دولت بخارا هدف رقابت دو کشور قرار گرفته بود. بین اول و دوم سپتمبر ۱۹۲۰ حکومت روسیه شوروی به کمک اردوی سرخ در بخارا " انقلابی " را سازماندهی نمود که در نتیجۀ آن "جمهوری شوروی مردم بخارا" بوجود آمد. با امضای معاهدۀ ۱۹۲۱ افغانستان دولت دست نشانده بخارا را برسمیت شناخت. انکشاف بعدی اوضاع نشان داد که مسکو به این اکتفا نمی کند. در سال ۱۹۲۴ مسکو بخارا را به قلمرو خود ملحق ساخت. عین عمل، اندکی بعدتر با امارت خیوه نیز صورت گرفت. (۲۹)

شاه امان الله پس از درک تهدیدها از طرف شمال، فعالیت های ضد برتانیه را در امتداد سرحدات هند برتانوی متوقف ساخت و سعی کرد روابطش را با برتانیۀ کبیر بهتر سازد. صرف نظر از تمایلات و تحرکات مثبت در روابط دو کشور، رهبری انگلستان به شاه اصلاح طلب افغان به دیدۀ شک و بی اعتمادی می نگریست و کوشش می کرد حکومت او را براندازد. (۳۰)

ایالات متحدۀ امریکا در شروع سده بیستم از حوادث که در سطح جهان در قبال افغانستان جریان داشتند به دور بود.

ادامه دار

تذکر: هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحۀ مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

اسرار دیپلوماسی - تاریخ روابط افغانستان و امریکا قسمت سوم
Janbaz_Ghaus_asraar_diplomatie_۳.pdf